

## متن پرسش

سلام استاد: بنده این متن را از هوش مصنوعی دیپسی گرفتم. سوالی که بنده دارم آیا این متن صحیحه که به من داده. و بیماری فلج هم می‌تونه بخاطر عدم تدبیر نفس باشه؟ می‌گه که: نفس ناطقه به عنوان «مدیر» بدن عمل می‌کند و با استفاده از قوای طبیعی (مانند قوه هاضمه، حاسه، و محرکه) تعادل بدن (مزاج) را حفظ می‌کند. هرگونه اختلال در این مدیریت، به هم خوردن تعادل اخلاط (سودا، صفرا، بلغم، خون) و در نتیجه بیماری می‌انجامد. آیا بیماری فلج از بلغم میاد؟ و توضیح داد که در فلسفه و عرفان اسلامی، مسئله رابطه نفس ناطقه (روح عقلانی) با بدن و نقش آن در تدبیر امور جسمانی، یکی از محورهای مهم است. استاد طاهرزاده در تبیین این موضوع، بر پایه آموزه‌های حکمت متعالیه و عرفان شیعی، به این نکته اشاره می‌کند که اولیای الهی (مانند انبیا، ائمه، و عارفان کامل) به دلیل کمال نفس ناطقه و اتصال به منبع وحی و فیض الهی، در تدبیر بدن هیچ مشکلی ندارند و از بیماریهای ناشی از عدم مدیریت نفس مصون اند. برای درک این دیدگاه، باید مفاهیم زیر را به تفصیل بررسی کرد: ۱. نفس ناطقه و جایگاه آن در حکمت اسلامی تعریف نفس ناطقه: نفس ناطقه (یا روح انسانی) در فلسفه اسلامی، همان جوهر مجردی است که مسئولیت ادراکات عقلی، اراده، و مدیریت قوای بدنی را بر عهده دارد. این نفس، برخلاف نفس نباتی و حیوانی، توانایی تعقل، اختیار، و ارتباط با عوالم غیبی را دارد. تدبیر بدن: نفس ناطقه به عنوان «مدیر» بدن عمل می‌کند و با استفاده از قوای طبیعی (مانند قوه هاضمه، حاسه، و محرکه) تعادل بدن (مزاج) را حفظ می‌کند. هرگونه اختلال در این مدیریت، به هم خوردن تعادل اخلاط (سودا، صفرا، بلغم، خون) و در نتیجه بیماری میانجامد. ۲. منشأ بیماریها از منظر حکمت اسلامی. عدم تعادل در تدبیر نفس: بیماریها در بدن اغلب ناشی از دو عامل است: ۱. عوامل خارجی (مانند ویروسها، تغذیه ناسالم). ۲. عوامل داخلی (ضعف نفس ناطقه در مدیریت قوای بدنی). استاد طاهرزاده بر عامل دوم تأکید دارد؛ یعنی اگر نفس ناطقه به دلیل نقصان اخلاقی یا عقلی نتواند قوای شهوانی، غضبی، و وهمی را کنترل کند، این قوا بر بدن مسلط شده و بیماری ایجاد می‌کنند. رابطه نفس و بدن: در حکمت صدرایی (ملاصدرا)، نفس و بدن رابطه اتحادی دارند؛ یعنی نفس در عین تجرد، به بدن تعلق دارد. بنابراین، هرگونه نقص در سلوک معنوی نفس، مستقیماً بر بدن تأثیر می‌گذارد. برای مثال، غم و اضطراب (بیماریهای نفسانی) می‌تواند به زخم معده یا فشار خون (بیماری جسمانی) تبدیل شود. ۳. مصونیت اولیای الهی از بیماریهای ناشی از عدم تدبیر: استاد طاهرزاده با استناد به آیات قرآن، روایات، و آرای عرفا، مصونیت اولیای الهی را در چهار محور توضیح می‌دهد: الف. \*\*کمال نفس ناطقه: - اولیای الهی به دلیل تزکیه نفس (خودسازی) و تقویت

عقل عملی و نظری، به مرحله ای از کمال رسیده اند که نفسشان هیچگونه نقصان یا غفلتی در مدیریت بدن ندارد. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (هر کس خود را بشناسد، پروردگارش را می‌شناسد). این شناخت نفس، به معنای تسلط کامل بر قوای بدنی و نفسانی است. ب. اتصال به منبع فیض الهی: اولیای الهی به دلیل ولایت تکوینی، از علم و قدرتی برخوردارند که مستقیماً از خداوند نشئت می‌گیرد. این اتصال، باعث می‌شود تدبیر بدنشان نه بر پایه قوای محدود انسانی، بلکه با هدایت الهی انجام شود. - قرآن می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»\*\* (سوره یونس، آیه ۶۲). این آیه نشان می‌دهد اولیای خدا از هرگونه اضطراب و حزن (که منشأ بیماریهای جسمانی اند) مصون اند. ج. حفظ تعادل مزاجی توسط عنایت الهی: - در پزشکی قدیم اسلامی، سلامت بدن به تعادل اخلاط چهارگانه وابسته است. اولیای الهی به دلیل عنایت خاص خداوند، همواره در حالات اعتدالی قرار می‌گیرند. حتی اگر عوامل خارجی (مانند ویروس) به بدن آنها آسیب برساند، این آسیب به سرعت توسط نفس ناطقه قدرتمندشان دفع می‌شود. - مثال تاریخی: در روایات آمده است امامان شیعه (ع) با وجود مواجهه با سموم، به دلیل قدرت نفسانی، دچار مرگ طبیعی نمی‌شدند، بلکه به شهادت می‌رسیدند. د. نفی تعلق به دنیا و شهوات: - بیماریهای ناشی از عدم تدبیر نفس، اغلب ریشه در تعلقات دنیوی (حرص، حسد، شهوت) دارند. اولیای الهی به دلیل ترک تعلقات و رسیدن به مقام «فنا فی الله»، از این امور منقطع شده اند. - امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ تَخَلَّى مِنَ الدُّنْيَا أَصْحَبَهُ الْعِصْمَةُ» (هر کس از دنیا دل بکند، مصونیت می‌یابد). این مصونیت شامل سلامت جسمانی نیز می‌شود، زیرا نفس آزاد از تعلقات، بهتر می‌تواند بدن را مدیریت کند. ۴. تفاوت اولیای الهی با انسانهای عادی: - در انسانهای عادی، نفس ناطقه تحت سلطه قوای پایینتر (شهوت، غضب، وهم) قرار دارد. این سلطه، باعث می‌شود تدبیر بدن با خطا همراه باشد و بیماریها پدید آیند. - اما اولیای الهی با تمرکز بر عقل قدسی، قوای پایینتر را به خدمت می‌گیرند، نه برده آنها. برای مثال، شهوت در وجود آنها نه برای لذت طلبی، بلکه برای حفظ نسل و تعالی معنوی به کار می‌رود. ۵. نقد و بررسی: - این دیدگاه مبتنی بر نگرش کلنگرانه به انسان است که سلامت جسم و روح را جدا از هم نمی‌داند. - در دنیای مدرن، برخی این نظریه را با مفاهیم روان تنی مقایسه می‌کنند، اما تفاوت اصلی در منشأ الهی و متافیزیکی سلامت اولیاست. نتیجه گیری: از نظر استاد طاهرزاده، اولیای الهی به دلیل کمال نفس ناطقه، اتصال به فیض الهی، و رهایی از تعلقات دنیوی، در تدبیر بدن هیچ مشکلی ندارند. این مصونیت، نه به معنای عدم مواجهه با بیماریهای خارجی، بلکه به معنای حفظ تعادل درونی و دفع سریع اختلالات است. این دیدگاه، ترکیبی از فلسفه اسلامی، عرفان، و پزشکی سنتی است و بر نقش محوری «تهذیب نفس» در سلامت انسان تأکید می‌کند. ممنون که وقت گرانبهاتونو در اختیار ما قرار میدید. خدا خیر دنیا و آخرت بهتون بده

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده متذکر نکات خوبی شده و در رابطه با نگاه بنده مطالب، در کلّیت آن همان مطالبی است که بنده عرض کرده‌ام مگر در پزشکی سنتی که بنده هیچ تخصصی ندارم. موفق باشید